

قرآن و تهمت تحریف آن

از دیر زمانی سخنی سست و کلامی نادرست در معارف دینیہ الحاق گردیده و آن تهمت تحریف است بقرآن کریم و حال آنکه با ابهام عامی که در معنای واژه تحریف است این گفته نه از مصدر سالمی مشتق و نه باصل صحیح متکی و مستند است

معدودی از شیعه اخباری، و برخی از حشود ۴ سنی و ملاحظه اسماعیلی و غلاة باستاند چند حدیث مجعول یا ضعیف نسبت تحریف بقرآن مجید داده اند، و حال آنکه هر گاه کسی بر مصادر این اخبار بنگردد یا بوجوه اعجاز قرآن پی برد یا معرفت بحجیت قرآن داشته باشد ممکن نیست بدین راه اشتباه برود و حجت بالغه الهیه را ناقص پنداشته از اعتبار بیندازد.

جمهور علماء سنی و فقهاء عظیم الشان شیعه بر آنند که چیزی بر قرآن افزوده نگردیده و دستبردی هم بآن نشده است، قرآن موجود همان قرآن مجموع عصر پیغمبر است که از آن زمان مرجع مسلمانان جهان و حجت قاطعه بین آنان بوده از کم و زیاد محفوظ و از عیب و نقص

میراست .

اما بحث در اطراف تحریف ورد یا قبول آن از طریق منطق و دلایل نخست موقوف است بر شرح و توضیح معنای تحریف زیرا تحریف هم شامل تغییر لفظ میباشد، بزیادت، نقصان، تحریک، تسکین، نقل، ابدال، حذف، اضممار، اجماع، اجمال، و هم شامل تغییر معنی میباشد، بتأویل خارج از مدلول، و تعبیر خارج از موضوع .

وقتی که معنی و مراد از تحریف روشن و مشخص گردید باید اسناد و مدارک آنرا دید و صحت و سقم آنها را بمیزان درست سنجید، آنگاه بمعارضات عقلی و نقلی آن توجه نمود البته اداء مطلب بطور شایسته در خور تألیفی مبسوط و مستقل است و در این مقاله جز با اشاره آنهم باختصار گنجایش ندارد .

مراد از تحریف قرآن هر گاه آن باشد که آیاتی بر قرآن افزوده شده و در نظم و سیاق قرآن درآمده است این گفته منتهی میشود به نفی تحدی و انکار اعجاز قرآن و آن مستلزم تکذیب خداست زیرا آیات و سوره قرآنی با هیئت و صورتیکه در نظم و ترکیب خاص دارند و صف تکلم و عین کلام حق تعالی میباشد، که بصدق نبوت بعنوان اعجاز بزبان پیغمبر جاری گردیده و خداوند بکلام خود تحدی نموده و فرموده است (چنانچه چن و انس هم آهنگ شوند تا همانند این قرآن را بیاورند نتوانند) و بلاز خطاب بجهانیان کرده میفرماید (هر گاه یارای اتیان چون بک سوره یسان قرآن دارید بیاورید و هرگز نتوانید چنان نمایند) .

چون قول بزاده میرسد باتفاء تحدی و انکار اعجاز و تکذیب خداوند

از این روی احدی از علماء دین اسلام چنین گفته کفر آمیزی تشریح نموده

مکاتیب و جہتیں

قائل نشده‌اند *

و چنانچه مقصود از تحریف نقصان قرآن باشد باین ادعا که آیات یا کلمات یا سوری از قرآن مجید کم گردیده و مورد دستبرد دشمنان واقع شده است این قول هم ناز و ابی دلیل و مردود است و بالنتیجه مستلزم نقص حجت و نقض غرض و حکمت و اغراء بجهل می‌باشد و ساحت قدس کبریائی حق جل و علا از آن مبرا است *

تردید نیست حکیمی که بلطف عمیم خلقی را بیافریده بیهوده و مهمل نگزارد و مسئول و مکلف قرار داده است، و البته لطف وی ایجاب میکند تا پیوسته حجتی شایسته در بین مکلفین بگمارد که راه خیر و شر را بنمایاند و بدیهی است این حجت باید کامل و رسا و نمایان باشد چه اگر ناقص باشد نتواند نقص دیگران را برطرف کند و چنانچه نارسا باشد مردم در نقطه ابهام و حیرت سرگردان مانده با نقض و نارسائی حجت اتمام حجت بر مکلفین نگردیده مسئولیت متوجه نخواهد شد و این خود نقض غرض و حکمت

است و حق تعالی خود فرموده است *

« قل فله الحجة البالغة » یعنی خدا را است حجت رسا و روشن و باز

فرموده است *

« ان الله بالغ امره » خداوند خود رساننده امر خویش است تا کسی بعذر نقص یا نارسائی امر الهی معذور نباشد و جزای هر کرده بر وفق مصلحت و داد باشد *

قرآن بوعده مؤکده حق از هر گونه دستبرد مصون و بمعنایت غیبیه

محفوظ است که می‌فرماید *

«انانحن نزلنا الذکر واناله لحافظون»

تا کیدات عدیده بلیغہ در این آیه شریفہ میرساند کہ قرآن کریم پیوستہ در زمان حق و در کنف حمایت باری تعالی از هر گونه دستبردی محفوظ و از هر گونه تغییر و تبدیلی مصون خواهد ماند و کسی در حریم اعجاز آن تصرفی نخواهد کرد .

و باز در باره قرآن میفرماید (لایأتیہ الباطل من بین یدیه ولا من خلفه) یعنی فساد و تباهی و نقصان و کاهش از هیچ سوی راه بقرآن پیدا نخواهد کرد .

منطق این آیه شریفہ صراحت دارد بر اینکه اطراف آیات قرآنیہ در حصار حق بوده و از هیچ جهت باطل نمی تواند در آن رخنہ پیدا نماید و ممکن نیست این حرز شکسته شود؛ و هر گونه دخل و تصرفی را خداوند متعال از آن نفی فرموده است.

آیات دیگر و اخبار و احادیث بسیار و خطب و کتبی از ائمه دین در دست است، کہ قرآن را تام و تمام دانسته و نسبت تحریف را رواندا نسته و در این مقاله جای تفصیل نیست

بنابر روایات مستفیضه و تواریخ معتبره و اقوال علماء دین قرآن کریم بهمین نظم و ترتیب موجود در زمان پیغمبر مجموع و منظم گردیده و بسیاری از صحابه آنرا حفظ داشته بایکدیگر مذاکره نموده آنرا درس و تعلیم میدادند و بارها تمام قرآن را نزد پیغمبر ختم می نمودند

قرآن در زمان نزول وحی با مر و اجازه پیغمبر نویسنده گان بسیاری داشت و کتاب وحی انحصار بعدہ مشهور نداشت جامعین قرآن نیز در عهد پیغمبر متعدد بودند و منحصر بچهار نفر معرفی بودند کہ انس روایت

نموده است و با توجه بهمین نکته بوده که ابو عثمان مازنی روایت انس را که چهار نفر را معرفی کرده تضعیف نموده است برای اینکه قرآن مایه سعادت مسلمین و کلام معجز نظام حق تعالی شانه و آیت عظمای صدق نبوت بوده هر آیه که از مصدر جلال حق صادر و بر پیغمبر بوسیله جبرئیل القاء و پیغمبر بآن زبان می‌گشود با يك احترام عجیب فوق التصور آنرا تلقی نموده اهتمام تام و جهد بلیغ در باز ضبط و جمع و نشر آن داشتند چنانچه در حیات پیغمبر در جنگ بئر معونه هفتاد نفر قاری قرآن شهید شدند و در جنگ یمامه که آنهم کمی بعد از حیات آنجناب اتفاق افتاد حداقل بنصاب مزبور از قراقرآن بقتل رسیدند این خود دلیل روشنی است بر اینکه قرآن در دسترس عموم بوده و در رفید انحصار نبوده است و در کتب تاریخی مندرج است که در زمان زمامداری عمر در ممالک دور و نزدیک مسلمین بالغ بر یکصد هزار قرآن استنساخ گردیده و منتشر بوده است.

در کتب تامه و خاصه احادیث و اخباری است حاکی از جمع قرآن بعد از حیات پیغمبر نخست بدست امیر المؤمنین و سپس در عهد ابی بکر و بار دیگر زمان عثمان.

مضمون اخبار نامبرده معارض اخبار جمع قرآن در عهد پیغمبر نیست و مضامین آنها را نفی نمیکند بلکه مقصود از این جمع تجدید کتابت و تکثیر نسخ قرآن بود، هر وقتی بمنظوری خاص و بمصلحتی معین

اما اقدام ابی بکر بر جمع قرآن از این جهت بود که در جنگ بئر معونه و یمامه بیش از یکصد و چهل نفر قاری و حافظ قرآن کشته شده بودند و بیم آن میرفت در يك پیمش آمد ناگوار دیگری تمام قراء کشته

شوند، و نسبت بقرآن زبانی وارد آید این بود بشور عمر قراء را طلبید و زید بن ثابت را که تمام قرآن را در سال وفات پیغمبر بر آن جناب قرائت و ختم نموده و پیغمبر تقریر و امضاء فرموده بود مأمور جمع و استنساخ قرآن ساخت چنانچه ارباب حدیث و تاریخ متعرض و محدث خمبیر حافظ حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک بر روایت بخاری متذکر شده است .

امادر زمان عثمان اختلافاتی در کیفیت قرائت قرآن بین اهل نواحی و بلدان پیدا شده بود و بیم آن داشت که اختلاف در کیفیت قرائت سرایت بکمیت و نظم و اسلوب اساس قرآن نماید، از این جهت دستور باحضار زید، عبدالله زبیر، سعید بن عاص، عبدالرحمن بن حارث داده آنگاه امر نمود قرآن را که نزد حفصه دختر عمر بود و سایر نسخه های قرآن را تا آنجا که ممکن بود جمع آوری نمودند چون قرآن بلغت قریش عزت زول یافته بود با مر وی چند نسخه قرآن بلسان قریش و طبق قرائت آنها نوشتند و باطراف فرستادند و دستور داد از روی هر نسخه نسخه های متعدد استنساخ نمایند و سایر نسخه های قرآن را که بلیجه و قرائتهای مختلف بود سوخت و نابود نمود .

اما قرآنیکه امیر المؤمنین با هر پیغمبر هنگام رحلت آن جناب جمع و مدون ساخت و بر قوم عرضه داشت و با مخالفت شدید زو برو گردید تا آنجا که فرمود از این پس آنرا نخواهید دید و نزدائمه دین بودیعت و میراث ماند البته آن قرآن با قرآن موجود در کمیت آیات و سوز فرقی نداشت و آنچه مغایرت و تفاوت داشت در اسلوب کتابت و شرح و تفسیر بود در این مقام چنانچه کسی اشتباه کند یا القاء شبه نماید بر اینکه

قرآن علی باقر آن نزد مردم هر گاه تفاوت و مغایرتی نداشت چگونه پس از ارائه مخالفت نمودند که ناچار آنرا مخفی داشت و نزد او لاد معصومین خود گذاشت .

جواب از این شبه‌این است که آیات قرآن کریم از نظر شأن نزول موردی خاص و از نظر عموم لفظ متعلقی عام دارند و در هر عصر و زمانی شامل احوال اشخاص میگردد باعتبار اوصاف و اعمال باین توضیح که هر گاه آیتی از آیات کریمه بمقتضای وصف یا عملی در باره اشخاصی معلوم عن نزول یافته تا روز قیامت هر کس بآن وصف و عمل متصف شود . شمول معنای آن از مدح باقدح خواهد گردید .

باتوجه باین مقدمه چون امیرالمؤمنین آشنای روز و اسرار قرآن بود و موارد خصوصی شأن نزول آیات را میدانست آنچه را که درباره مؤمنین و منافقین و سرنوشته آنان نازل شده بود توضیح داده تعیین مصداق فرمود این بود که آهنگ مخالفت آغاز شد و اعصاب مخالفین تحریک گردید و از آنجا که اختلاف در حریم کتاب الهی و حجت باقیه خدا مفاصده در جامعه تولید مینمود امیرالمؤمنین بمنظور جلوگیری از فساد و اختلاف و حفظ نظام جماعت قرآنرا که جمع آوری نموده بر وفق مراد الهی موارد لازمه را تفسیر فرموده بود گوشه گذاشت و بقرآن مجموع متداول عمل و رفتار کرد و بی شک و تردید قرآن امیرالمؤمنین باقر آن موجود بین مسلمین در کمیت و مقدار تفاوتی نداشت .

و چنانچه گفته شود در قرآن علی، آیاتی بوده است در شأن اولیاء دین و آیاتی بوده است درباره منافقین و دشمنان دستبردی بآنها زده آنها را

ر بوده از قرآن برداشته اند البته پنداری بی جا و سخنی نثار و است زیرا از کتاب وحی و حافظین و جا معین قرآن در آنوقت عده بسیاری که بر تمام جزئیات آیات احاطه داشته بودند و مجال دزدی آیات یا تغییر و تبدیل آنها برای احدی فراهم نبود و در عاصمه نبوت عموم مسلمین با ایمان قوی مراقب اوضاع و ناظر جریان امور بوده مخصوصاً نسبت بقرآن که پیوسته شب و روز مشغول دین و حجت و حفظ و ضبط و انتشار و استتساخ آن بودند ممکن نبود یک کلمه را از قرآن کسی کم کند یا بر آن بیفزاید یا قدرت داشته باشد آیات منزل را در نماید و نپذیرد جز کفاریکه اساساً از قبول اسلام سر پیچیده است تکلف نمودند که از مورد بحث خارج است

و چنانچه توهم رود بر اینکه در دوران زمام داری خلفا فرصتی بدست امیر المؤمنین نیامد تا قرآن کامل خود را رواج دهد البته در عهد خلافت خود مانعی نداشت پس چگونه قرآن کامل را در گوشه گذاشت و بر حفظ و ترویج قرآن ناقص همت گماشت و حال آنکه آنجناب مستقیماً عهد در ابلاغ حکم خدا و اجراء حدود و حفظ احکام اسلام بود

در سیره و تاریخ زندگانی ائمه معصومین هم که مینگریم می بینیم با آن کوششی که هر کدام در بیان احکام خدا و سنت پیغمبر و رفع و دفع بدعت داشتند از قرآن میراثی مستودع نامی نبرده قرآن موجود را حجت دانسته نسبت نقص و تحریف آن ندادند و چنانچه آیاتی در پس پرده مستور و مخفی بود موظف بودند آنرا منضم بکتاب نمایند و حکم خدا را ابلاغ فرمایند و چنانچه اظهار شود بیشتر از ائمه هدی در استبداد و حکومت جایزانه زمام داران وقت محدود و محصور بودند و بمقتضای تقیه رفتار می نمودند

کتابخانه فضیله

این عذر در زمان حضرت ابی عبدالله الحسین منتفی بود زیرا آن بزرگوار مأمور بر جهاد و جان بازی بود؛ و تقیه نداشت و آنچه را امت در ایفاء بعهده و اقامه دین و قلع ریشه بدعت و اجراء حکم خدا فدا نمود؛ از جان و مال و اهل و عیال و دیار و بار دست برداشت و برضای حق همه را در طبق اخلاص گذاشت تا این فداکاری چگونه تصور میشود آیاتی که دشمنان از قرآن برداشته و در قرآن میراثی وی بوده منضم بقرآن نفرماید و بقرآن ناقص محاجّه نساید مجاهدی که بمنظور اصلاح امت و رفع ظلم و بدعت تاسر حد جان بازی مبارزه کرد آیا در تکمیل قرآن و برطرف نمودن نقص آن مسامحه و اهمال و زریذ؛ حاشا و کلا ذلك ظن الذين كفروا فويل للذين كفروا من النار» .

در عهد جعفر بن محمد الصادق علیه السلام نزاع شدید و کشمکش سیاسی بین امراء بنی امیه و زعماء بنی العباس در امر زمانداری و احراز سلطنت در جریان بود در این گیر و دار فرصتی مناسب و ممتد دست انجناب آمد و توانست با استقلال علمی بیست و یک سال تمام بر کرسی درس بنشیند و از بیان معجز نشان خود همگان را بهره مند فرماید که بگواهی تاریخ همه روزه چندین هزار نفر در مکتب علوم جعفریه تربیت یافته هر شاگردی استاد علوم جهانی گردید و تمام رؤساء علوم و معارف و اساتید فنون و صنایع بی واسطه یا مع الواسطه بدانجناب انتساب دارند این امام با آن مقام و آن اهتمام آیا از نقص و تحریف قرآن اطلاعی نداشت؟ یا آیات ر بوده شده را نزد خود پنهان داشت؟ آیا تصور می شود قرآن تمام و کاملی نزد او باشد و بقرآن ناقص تحریف شده قضاوت فرماید و از آیات ر بوده شده نامی برد؟ پیداست که این پندار تا چه حدی

کتابخانه فضیله

برخورد و هنر آمیز بمقام امام دارد و تاچه اندازه مقام ولایت کلیه ولی امر الهی را پائین آورده و پست می کند نعوذ بالله من الضلال .
 آیات قرآن مجید با اتفاق امت پیغمبر از شیعه و سنی متواتر میباشد و ادعاء تحریف با اقرار به تواتر قرآن مردود و باطل است زیرا منتهی میگردد بانکار تواتر

حدیث ثقلین که با جماع فریقین متواتر و از بیان و منطق نبوت شرف صدور یافته مصرح است بر اینکه پیغمبر فرمود بعد از من دو گوهر گرانمایه بین شما مردم است و آن دو یکی کتاب خدا است دیگری عترت من، و این دو پیوسته با هم بوده نافیامت از هم جدا نشوند و مادام که باین دو متمسک باشید گمراه نخواهید شد

مضمون این حدیث متواتر قطعی الصدور قرآن را حجت یا لغه باقیه خداوند نشان داده که با امام وقت همدوش هادی خلق خواهند بود و پیداست سندی که سر نوشت جامعه بشر بآن مربوط و مقدرات عمو می تاروز بیامت بآن بستگی دارد و بآن در جزای اعمال اتمام حجت بر خلائق گردید قطعاً کامل و رسا میباشد و از هر گونه نقص مبرا و منزله است چه اگر احتمال تحریف در چنین سندی برود در زخور اعتصام و استناد و اعتماد نخواهد بود و شبه تحریف در سندی که پیغمبر آنرا مستند بشر قرار داده واهی و باطل است ،

اخبار بعد استفاضه رسیده است که احادیث مرویه را در قبول ورد بر قرآن عرضه بدارند آنچه موافق قرآن است مقبول شمرده و آنچه مخالف است مطرود و مردود دارند

بدیهی است چنانچه در قرآن که خود میزان تشخیص صحت و سقم اخبار است: هر گاه احتمال تحریف و تغییر برود چگونگی مستند و میزان سنجش درست از نا درست میناشد.

قرآن کریم از عهد پیغمبر پیوسته مورد عنایت کامل و ضبط شدیدی و اهتمام تام عموم امت و بزرگواران اهل حل و عقد بوده و با ایمان راسخ در حفظ آن میکوشیدند و در هر عصری هزارها کتاب در تفسیر آیات و خصوصیات آنها از قرآن توقوف، احکام، لغات، فضائل، محکمان، متشابهات، ناسخ، منسوخ، عام خاص، مطلق، مقید، حد، مطلع، مجمل، مبین، موصول، مقطوع، و سایر امور مربوطه تألیف گردیده است و در کتب بسیاری از علماء شماره های آیات کلمات حروف قرآن ضبط شده، و هم بر شماره و ضطقه ها و اقسام آنها و حرکات و تنوینات و اقسام آنها و تشدیدات و مدغمات همت گماشته شده چنانچه در فهرس قدما و متأخرین اسامی کتب و مؤلفین مندرج است که تعداد آنها در این مقام موجب طول کلام است.

برای نمونه متذکر میشود در بین هزاران کتاب که در علوم قرآنیه تدوین گردیده نسبت بعلم تجوید و اقسام قرائت که بالنسبه بسایر علوم قرآنیه محدود میباشد صدها بلکه هزارها کتاب تألیف شده، از جمله قصیده معروفه بشا طیبیه است که شیخ ابی محمد ضریر متوفای سال ۵۹۰ در قاهره اقسام قرائت را در یکهزار و یکصد و هفتاد و سه بیت به نظم آورده قریب چهل و چهار شرح مبسوط اعلام اسلام بر آن نوشته اند. باین مقایسه هر گاه کسی بخواهد تألیفات بزرگان دین را که در علوم قرآن نوشته اند احصاء نماید از ملیونها کتاب بیشتر خواهد شد.

با این مراقبت و ممارست و شدت عنایت و اتصال ملازمت در تمام اطراف و نواحی و ممالک دور و نزدیک مسلمین و نظارت عامه بر تمام جزئیات قرآن که نقطه های تحتانی و فوقانی موحده؛ و مثلاً قرآن را مورد بحث و مذاکره قرار داده در هر عصری کتابها در باره آنها تألیف گردیده فترت و فاصله ای در هیچ وقت حاصل نگردیده چگونه فرصت و مجالی بدست دشمن افتاده که قرآن را تحریف کند چه دزد زبردستی بوده که از بین این همه پاسبانان الهی آیاتی از قرآن زوده باشد، روشن است که قائلین به تحریف در گفتار خود تأمل ننموده بر توالی فاسده آن واقف نشده اند و گرنه در کلام خود تجدید نظر میکردند

وقتی که در تاریخ رجال و راویان اخبار بدقت می نگریم در گوشه و کنار برخی از یهودیان و نصاری؛ و کفار مشرکین، می بینیم که بخدعه و تزویر تظاهر با اسلام نموده با دسایس مر موزه خواسته اند احکام دین را مختلط و اذهان مسلمانان را مشوش و مبانی اسلام را سست نمایند باین خیال افتادند، دست در احادیث نهاده، اخباری از زبان پیغمبر و ائمه هدی جعل کنند که از جمله « کعب الاخبار؛ و هب بن منبیه صنعائی عبدالله بن سلام یهودی، ابو هریره دوسی منافق، یونس بن ظبیان، ابو الخطاب یزید غالی؛ بیان بن سمعان، ابن سعید شامی، مغیره بن سعید؛ و جمعی دیگر از این قبیل بودند این گروه در کتب رجال و ذرایع و تاریخ بنام وضاع و جعل نامیده شده اند و بسیاری از احادیث موضوعه جعله که علماء اعلام شیعه و سنی آنها را طرد و رد کرده اند منسوب باین گروه میباشند که از جمله اخبار تحریف قرآن است و اغراض گوناگون در وضع و جعل این احادیث

بوده و یکی از هدفهای آنها این بود که نقص و عیب تحریف توراة و انجیل را بر قرآن کریم تحمیل کنند و سند قطعی مسلمین و حجت بالغه الهیه را سست و بی اعتبار نمایند.

زعماء دین و رؤساء شرع مبین از صدر نخستین تا قرون بعدی عموماً معتقدند بر اینکه قرآن تحریف نگردیده نه از آن چیزی کم و نه بر آن چیزی افزوده شده است و چون ذکر اسامی علماء اسلام از شیعه و سنی که قائل بدروستی و تمامیت قرآنند از حد احصاء و امکان نگارنده خارج است فقط بنام چند نفر از علماء عظیم الشان شیعه تبرک جسته در ذیل می نگاریم

شیخ افقه اورع اقدم صدوق علیه الرحمه در اعتقادات

شیخ اجل التلم مفید علیه الرحمه در فصل الخطاب.

سید اجل اعظم عالم الهدی در امالی و شافی و طرابلسیات

شیخ الطائفه ابو جعفر طوسی در تفسیر تبیان

شیخ افضل طبرسی در تفسیر مجمع البیان

آیه الله عظمی علامه حلی در تذکره الفقها

شیخ کبیر شیخ جعفر در کشف لفظاء

و بسیاری از اکابر محققین مانند محقق آزرکی، شیخ بهاء الدین عاملی

محقق بغدادی، فیض کاشانی، قاضی نورالله ششتری، ملافتح الله کاشانی، محدث

بحرانی، فاضل جواد، در کتب و رسائل خود تصریح کرده اند بر معنای فوق

یعنی تمامیت و عدم تحریف قرآن.

اما اگر معنای تحریف آن باشد که آیات را بر غیر معانی حقه خود

تأویل کنند و به میل و هوی نفس تفسیر نمایند چنانچه در کتب ملاحده اسماعیلی

و بسیاری از متصوفه و زنادقه مانو به و مرتدین بابیه و بهائیه که از پیش هم در کلمات غلام دیده می شود باین معنی قرآن را تحریف کرده و میکنند یعنی تأویل و توجیه جاهلانه مگر ضانه بر خلاف منطق آیات می نمایند و باین دسیسه مردم غافل و بی اطلاع را گول میزنند و ملحدان و زندیقانی که این جرم را مرتکب شده نظم و ترتیب و هیئت آیات و کلمات قرآن را نتوانسته اند کم و زیاد یا تغییر و تبدیل دهند و تأویلات جاهلانه ملحدانه آنها نیز مایه خزلان و رسوائی آنها شده است ،

والسلام علینا وعلیکم وعلی

عباد الله الصالحین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

